روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

یکشنبه | ۱۲ مرداد ۱۴۰۴ | ۹ صفر ۱۴۴۷ | ۳ آگوست ۲۰۲۵ | سال هفدهم | شماره ۴۳۸۰ | ۸ صفحه | ۱۰۰۰۰ تومان

| ۱۱۹۰ سال و ۳۴۵ روز گذشت |

VATAN-E-EMROOZ | VOL.17 | NO.4380 | SUN.AUG.3, 2025 | ISSN:2008-2886

برای اولین بار دختران زیر ۱۶ سال بسکتبال ایران قهرمان غرب آسیا شدند

طلوع نسل تازه

صفحه ۶

نگاهی به موج جدید هالیوود که برای ساخت شخصیت‌های شرور از رژیم صهیونیستی ایده می‌گیرد

منبع الهام شرارت

صفحه ۸

عملکرد نظامی چشمگیر ایران در جنگ تحمیلی ۱۲روزه چه درس‌ها و نتایجی برای نظام بین‌الملل داشت

نقشه عبور از آمریکا

ایران نقشه عبور از نظم آمریکایی و جسارت مواجهه با واشنگتن را به قدرت‌ها نشان داد

عکس: آناد ولو

یادداشت

علیرضا حقیقت

«خدا نکند در اقیانوس آرام درگیری‌ای رخ دهد، چون در آن صورت فشار عظیمی بر ظرفیت موشکی ما و توان ارتش‌مان برای تأمین مهمات لازم وارد خواهد شد». این را یکی از مقامات دفاعی دولت بایدن در گفت‌وگو با «سی‌ان‌ان» بعد از نبرد ۱۲ روزه ایران برابر رژیم صهیونیستی و ایالات متحده آمریکا می‌گوید. این جمله شاید جمع‌بندی این «جنگ احتمالا ادامه‌دار» باشد؛ نقطه‌ای که خط امتداد تقابل ایران با ایالات متحده را نه فقط به قطر و پایگاه نظامی العدید که به تمام جغرافیای فلسطین اشغالی، مدیترانه و دریای سرخ کشاند. گزارش‌های رسانه‌ای در آمریکا طی هفته گذشته بر این گزاره تاکید داشته که ایران، ذخایر موشک‌های رهگیر و راهبردی تاد را با خلائی مواجه کرده که بازسازی آن نه به روز و هفته و ماه بلکه به چند سال نیاز دارد. این اتفاق چه معنایی در سیاست آشفته بین‌الملل ایجاد کرده و چگونه تفسیر می‌شود؟ به طور کلی جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم علیه ایران را چطور می‌شود تحلیل کرد؟ پیروز این منازعه کدام طرف است؟ و اساساً تأثیر این تقابل تمام‌عیار بر نظام بین‌الملل چگونه خواهد بود.

با وجود پیچیده‌تر شدن ماهیت جنگ‌های مدرن امروزی اما هنوز یک اصل از جنگ‌های کلاسیک همچنان باقی مانده است؛ شروع‌کننده جنگ، هرگز برنده آن نبوده است. فراتر از این معانی اما برای پاسخ به سوالات پیش گفته، باید به یک ماه پیش از عملیات نظامی رژیم اسرائیل موسوم به «طلوع شیران(!)» و آغاز یک جنگ پیشدستانه علیه ایران بازگشت؛ جایی که دونالد ترامپ در تور پر سر و صدای خود در خاورمیانه تلاش کرد آینده غرب آسیا را ترسیم کند. ترامپ از این «مانور تجمل» به وجد آمد و تلاش کرد دوگانه‌ای از توسعه و عقب‌ماندگی ارائه دهد و ایران و عربستان را نماینده این دوگانه معرفی کند و در نهایت ریاض را الگویی برای آینده منطقه خاورمیانه دانست اما درست یک‌ماه بعد، ایالات متحده از عربستان درخواست کرد اجازه دهد یکی از آتشبارهای تاد را به اسرائیل منتقل کند تا موشک‌های ایرانی را متوقف کند.

در یک وضعیت آنارشیک که عبور از نظم جهانی اجتناب‌ناپذیر است و سیستم میل به تغییر نظم می‌دهد این انتخاب‌هاست که سرنوشت یک واحد سیاسی و جایابی آن دولت (State) در نظم استقرار نیافته بعد را معین می‌کند. در این شرایط انتخاب حیاتی هر واحدی بقا (Survive) است و بقا جز از طریق خودیاری (Self-Help) حاصل نمی‌شود، یعنی انتخابی که ایران آگاهانه به دنبال آن رفت و در میانه یکی از پیچیده‌ترین جنگ‌های قرن بیست‌ویکم، حتی بی‌سابقه در تاریخ و در نبرد با ۲ قدرت مسلح به سلاح هسته‌ای که یکی از آنها هژمون نظام بین‌الملل است، چشم‌های جهان را به خود دوخت.

از کنسرت وین در ۱۸۱۵ میلادی که «اولین نظم جهانی» را بعد از جنگ‌های ناپلئونی در اروپا بنیان گذاشت، تغییر نظم، عموما امری خشن بوده است و معیار محاسبه برای تعیین وزن و جایگاه کنشگران، قدرت نظامی است. در دوران گذار از یک نظم به نظم بین‌المللی جدید، این ایران است که می‌تواند جایگاه مناسبی به دست آورد و احتمالا عربستان با پروژه‌های گلاسنوست و پروسترویکای عربی خود، نقشی فرعی و حاشیه‌ای خواهد داشت؛ همانطور که در نظم جهانی پساجنگ سرد هم سعودی صرفا می‌توانست فقط با راهبرد دنباله‌روی (Bandwagoning) امنیت خود را خریداری کند. داستان خاورمیانه حداقل از ۱۱ سپتامبر به بعد نبرد ایران و رژیم برای تفوق نظامی-سیاسی و پیکربندی نظم منطقه‌ای مطلوب‌شان بوده است. در منطقه، ایران تنها واحدی بوده است که اراده برخورد نظامی با اسرائیل را از خود نشان داده است. حتی ترکیه که از دسامبر ۲۰۲۴، سوریه را سهم خود دانسته است، با وجود تسلیحات پیشرفته نظامی، نتوانسته است کوچک‌ترین تحرکی در برابر تهاجمات تل‌آویو در شام داشته باشد و به نوعی با این بی‌عملی، تحقیر شده است. نظم کنونی جهان، بی‌تردید در حال فروپاشی همه‌جانبه است. نهادها و هنجارهای آن کاملا از کار افتاده است و شگفت‌آور آنکه واضع این نظم یعنی ایالات متحده، خود با سرعت بیشتری در حال عبور از نظم خودساخته و تضعیف و نابودی آن است. در این سیستم رو به زوال فقط یک اصل باقی مانده بود: منع اشاعه هسته‌ای. با حمله ایالات متحده به تاسیسات هسته‌ای ایران که برای نخستین بار در تاریخ به تاسیسات تحت نظر «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» تهاجم صورت گرفت، از تنها خط قرمز نظم آمریکایی عبور شد. حمله صهیونیست‌ها و آمریکا برای جهان تردیدی باقی نگذاشت که هیچ قانون و هنجاری در جهان فعلی وجود ندارد. پایگاه تحلیلی شورای روابط خارجی آمریکا (CFR) بعد از حمله به فردو و نطنز نوشت: کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای ممکن است به این نتیجه برسند که اگر شفافیت بین‌المللی درباره برنامه‌های هسته‌ای برای یک عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل (مانند آمریکا) بی‌اهمیت باشد، پایبندی به اصول اساسی رژیم بین‌المللی عدم اشاعه هسته‌ای، ریسک‌هایی به همراه دارد که تمایلی به پذیرش آن ندارند. در چارچوب چنین جهانی که «رابرت کیگان» آن را «بازگشت به جنگل» خوانده است، ایران بعد از جنگ اخیر توانست تصویر یک قدرت فرامنطقه‌ای را از خود برجا بگذارد، هر چند که رسانه‌های جریان اصلی، روایت شکست از نبرد سرنوشت‌ساز ایران بسازند. به ادعای غرب، ایران تنها بازیگری در جهان است که در تمام جنگ‌هایی که طی سال‌های اخیر در جهان اتفاق افتاده، تاثیرگذار بوده است و جالب آنکه ایران همیشه در طرف پیروز قرار داشته است. جدا از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، بر اساس روایت غربی، ایران یک پای جنگ روسیه و اوکراین بوده است، در جنگ سودان، حمایت‌های نظامی ایران، ارتش این کشور را مقابل نیروهای واکنش سریع پیروز کرد و در قفقاز و جنگ آذربایجان و ارمنستان، تهران بازیگر غیرقابل انکار میدان این منازعه و تحولات بعد از آن بوده است. «هال برندز» استاد روابط بین‌الملل دانشگاه جان هاپکینز هفته گذشته در بلومبرگ نوشت: برخلاف ادعای غرب، پنتاگون توان رویارویی با چند دشمن همزمان را ندارد. چندین چالش، از جمله روسیه در اروپا، ایران و نیروهای مقاومت در خاورمیانه و چین و کره‌شمالی در آسیای شرقی منابع آمریکا را تحت فشار گذاشته‌اند اما خطر شکست خردکننده در اقیانوس آرام غربی بیش از سایر جبهه‌ها جدی به نظر می‌رسد. استاد آمریکایی می‌نویسد: ایالات متحده هنوز طوری عمل نمی‌کند که انگار ممکن است جنگ سوم جهانی را ببازد. گزارش‌ها حاکی از آن است ذخایر مهمات و دفاع موشکی پنتاگون کم بوده و بخش زیادی از آنها در دفاع از اسرائیل در مقابل ایران مصرف شده‌اند.

این ادعای بزرگی نیست اگر گفته شود ایران به تنهایی توانسته است نقشه عبور از نظم آمریکایی و جسارت مواجهه با واشنگتن را به قدرت‌های جهانی نشان داده باشد. «آری سیکورل» تحلیلگر مؤسسه یهودی برای امنیت ملی آمریکا (JINSA) می‌نویسد: «پس از مصرف بخش بزرگی از موشک‌های رهگیر موجود در نبرد با ایران، ایالات متحده و اسرائیل اکنون با نیاز فوری برای پر کردن ذخایر و افزایش شدید نرخ تولید مواجهند». او تخمین زده است در صورت ادامه روند تولید فعلی، بین ۳ تا ۸ سال طول خواهد کشید تا این ذخایر بازیابی شود. به گفته کارشناسان غرب، مشکل ایالات متحده بویژه در منطقه هند-اقیانوس آرام حادتر است؛ جایی که چین تلاش کرده حضور نیروی دریایی آمریکا را از خود دور نگه دارد. «سیدهارت کاوشال»، پژوهشگر ارشد در مؤسسه خدمات سلطنتی متحد بریتانیا (RUSI) در این رابطه گفته است: «از منظر صرفاً نظامی، چینی‌ها کاملاً برنده‌اند، چرا که طی ۲ سال اخیر در خاورمیانه، ایالات متحده مقدار قابل توجهی از توانمندی‌هایش را مصرف کرده که جایگزینی آن برای صنعت دفاعی آمریکا بسیار دشوار است». ایران همچنان تنها کشوری در جهان و تاریخ روابط بین‌الملل باقی ماند که به یک واحد دارای سلاح هسته‌ای (اسرائیل) حمله تمام‌عیار کرده است. همچنین از جنگ دوم جهانی به این سو، ایران تنها کشوری در دنیاست که ۲ بار پایگاه‌های ایالات متحده آمریکا را هدف قرار داده است.

تیترهای امروز

نقشه صهیونیست‌ها برای تکرار سناریوی جرمی کوربین علیه نامزد مسلمان شهرداری نیویورک

۶ فرمان علیه زهران

صفحه ۷

گزارشی درباره اهداف ناتو در مرزهای شمال ایران

دسیسه زنگزور

صفحه ۲

گزارش «وطن امروز» از پیامدهای خطرناک فروش دارو از طریق سکوهای اینترنتی

سلامت بدون ضمانت

صفحه ۴

ویژه

گزارش «وطن امروز» از سوءمدیریت ستاد تنظیم بازار در ۴ ماه ابتدایی سال جاری

ستاد تنظیم گرانی؟

■ از ۵۳ قلم خوراکی منتخب، ۳۳ قلم بیشتر از تورم ۴۰ درصدی افزایش قیمت داشته‌اند

صفحه ۵

تأملی درباره اقتصاد سیاسی یأس در ایران

دیدگاه

جعفر حسن‌خانی *

آیا یأس «کالایی راهبردی» است؟ کالایی که چون نفت یا طلا، در چرخه‌ای دقیق و حساب‌شده تولید، توزیع و مصرف می‌شود تا ماشین ژئوپلیتیک و منافع ایدئولوژیک و سیاسی را روان کند؟ پاسخ به این پرسش «بله» است. این روزها «ناامیدی» نه یک اتفاق طبیعی که یک شکل از «مهندسی اجتماعی» است. یک مهندسی احساسی و روانی که هدفش شکستن ستون‌های پنهان پایداری جمعی است. مردمی که امید از آنان ربوده شود، دیگر نه توان مقاومت دارند، نه شهامت اعتراض و نه اشتیاق ساختن. بدین‌سان، «اقتصاد سیاسی یأس» تلاشی سازمان‌یافته برای بهره‌برداری از انفعال، سرخوردگی و بی‌چشم‌اندازی است تا مقاومت‌های احتمالی در برابر برنامه‌هایی که در حالت عادی امکان تحقق ندارد، در سکوتی سنگین و رضایتی کرخ فروبپاشد.

■ **اقتصاد سیاسی یأس چیست؟**

«اقتصاد سیاسی یأس» مفهومی تحلیلی است که به استفاده هدفمند از ناامیدی در ساختارهای قدرت، سیاست و رسانه می‌پردازد. برخلاف تصور رایج که یأس را پیامدی ناخواسته از بحران‌ها می‌داند، در این دیدگاه یأس خود به ابزاری مهندسی‌شده برای پیشبرد منافع خاص تبدیل می‌شود.

در این نظام، ناامیدی نه یک احساس فردی، بلکه سازوکاری اجتماعی است که با آن امید عمومی تضعیف و انگیزه جمعی برای کنش و مطالبه‌گری از بین می‌رود. نتیجه این روند، بی‌اثر شدن جامعه در برابر سیاست‌هایی است که در شرایط عادی با مخالفت مواجه می‌شدند. «اقتصاد سیاسی یاس» ۳ محور کلیدی را دنبال می‌کند:

الف - تولید سازمان‌یافته یأس: یأس نه‌تنها حاصل ناکارآمدی نیست، بلکه گاه از دل سیاست‌ها، روایت‌های رسانه‌ای و تصمیمات عمدی پدید می‌آید که برای تضعیف روحیه عمومی طراحی شده‌اند.

ب - کاربرد ابزاری ناامیدی: ناامیدی به ابزاری برای کنترل اجتماعی، تسهیل خروج سرمایه، القای پذیرش شرایط نامطلوب یا حتی تضعیف انسجام ملی تبدیل می‌شود. در برخی موارد، این وضعیت به نفع بازیگران بیرونی نیز هست که در پی بی‌ثبات‌سازی هستند.

پ - بهره‌برداری از انفعال جمعی: هدف نهایی، تثبیت این تلقی است که «هیچ راهی نیست» و «تغییری ممکن نیست». در این شرایط، کنش سیاسی یا اجتماعی به حداقل می‌رسد و عرصه برای اجرای برنامه‌های قدرتمندان، بدون نظارت یا مخالفت، گشوده می‌شود.

ادامه در صفحه ۲